



شرح زیارت اربعین

فاطمہ پورشفیع

مقدمه:

در زیارت خصوصیتی مهم نهفته است که فرد موحد در فرازهای گوناگون جبهه حق را می بیند و برائت و عدم پیوستگی خود را نسبت به جبهه باطل نشان می دهد. در زیارت سخن از معاویه و یزید نیست تا آنها را لعنت کنیم که نام و یاد آنها بر بسته و قبرشان زباله دانی بیش نیست. اکنون سخن از فکر و راه یزیدیان عصر است. زن فرعون وقتی به درگاه خدا دعا کرد نه گفت: "خدایا مرا از شر فرعون نجات بده". بلکه گفت: "ربّ ابن لی عندک بیتاً فی الجنة و نجّنی من القوم الظالمین" یعنی مرا از فرعون و فرعونیان که طرفداران سنت سیئه و رفتار ناپسند او هستند نجات بده؛ تفکر همیشه باقی است هر چند که اسم و عنوانش در طول زمان تغییر پیدا کند ولی باید از تفکر سازنده و مفید استقبال کرد تا روشنفکری صاحب بصیرت در نسلها باشد.

بعد از تارو مال شدن خوارج در نهروان و خارج شدنشان از صحنه حیات و زندگی؛ به علی ابن ابیطالب علیه السلام عرض شد؛ این مقدّس های خشک از بین رفتند. ایشان فرمودند: اینها نطفه هایی هستند در پشت مردان و قرار گاه زنان، هر گاه مقداری از اینها از بین بروند عده ای دیگر ظهور می کنند تا اینکه سرانجام کار، سارقان مسلح و رهنان غارتگر خواهند شد.

شهادت مظلومانه شهید کربلا و یارانش حماسه ای در طول تاریخ بوجود آورد که تا قیامت جاودانه و باقی است. این شهادت شکننده، ترسها و رعبها از اقدام و قیام بر ضدّ ستم است. این شهادت و اسارت اهل بیت (ع) پیام بیداری روح مبارزه در طی زمان و در بین مردم است. این شهادت و اسارت زنده نگه داشتن ارزشهای نوین عاشورایی و حسینی در اربعین هر سال است؛ اربعینی که به دانشگاه عشق و ایمان و جهاد و شهادت تبدیل شده است. اربعین تنها زیارت نیست چون ابتداءً و شاید این حرکت عظیم پیامش زیارت اربعین بود ولی با گذشت زمان با وحدت مسلمین و شور و شعور حسینی و بوجود آمدن پایگاه نیرومند و عمیق و گسترده تبلیغی و سازندگی در مسأله اسلام و حفظ آن از دستبرد مشرکان و کافران، و نشان دادن جبهه مبارزه حق علیه باطل، اربعین تبدیل شد به تداوم انقلاب اسلامی که پیامش زمینه سازی پس از عاشورا و آمادگی برای ظهور منجی عالم بشریت حضرت مهدی (ع) می باشد. اربعین این شعر اقبال لاهوری را بیاد می آورد که گفت:

خون او تفسیر این اسرار کرد ملت خوابیده را بیدار کرد.

والسلام علی من اتبع الهدی

متن زیارت اربعین:

زیارتی است که شیخ طوسی در کتاب التهذیب از صفوان جمّال روایت کرده است: مولایم امام صادق(ع) (درباره زیارت اربعین به من گفت: هنگامی که قسمت قابل توجهی از روز برآمده، این زیارتنامه را بخوان.

محمدعلی قاضی طباطبایی در کتاب تحقیق درباره اول اربعین سیدالشهداء می‌نویسد: حرکت به سوی کربلا در روز اربعین از زمان ائمه اطهار(ع) (در بین شیعیان رایج بوده است و شیعیان حتی در زمان بنی امیه و بنی عباس نیز به این حرکت مقید بوده‌اند.

اربعین سید الشهداء علیه السّلام مصادف با روز بیستم صفر است، شیخ طوسی در کتاب تهذیب و مصباح از حضرت امام حسن عسگری علیه السّلام روایت کرده: نشانه های مؤمن پنج چیز است: پنجاه و یک رکعت نماز گذاردن، که مراد هفده رکعت واجب، و سی و چهار رکعت نافله [مستحب] در هر شب و روز است، و زیارت اربعین، و انگشتر به دست راست نمودن، و پیشانی را در سجده بر خاک نهادن، و بلند گفتن «بسم الله الرحمن الرحيم»

اصل کلی این است که هر حادثه تلخی را باید بهانه کرد و برای سالار شهیدان گریست. آن اشکی که از چشم زائر برای سید الشهداء خارج می شود و بر صورتش جاری می شود می تواند عبرت شود. این سنت حسنه فوائد بسیار دارد و یاد آور فجایع و سلطه طلبی بیگانگان و ستمگران هر عصر می باشد. این اشکها نشان می دهد که باید بر مصیبت عاشورا سجده شکر گذاشت چون عاشورا وسیله سعادت دنیا و آخرت است و نسبتهای ناروا و دروغگوئیهای فضای مجازی از سوی غرب در باره وقایع عاشورا، نمی تواند تکلیف را نسبت به این مصیبتها ساقط کند. قیام امام حسین(ع) قیام نبوی در معرفی اسلام به جهانیان است چون اسلام نبوی الحدوث و حسینی البقاء است.

فراز اول(سلام های توصیفی):

السَّلَامُ عَلَى وَليِ اللَّهِ وَ حَبِيبِهِ السَّلَامُ عَلَى خَلِيلِ اللَّهِ وَ نَجِيبِهِ السَّلَامُ عَلَى صَفِيِّ اللَّهِ وَ ابْنِ
صَفِيهِ السَّلَامُ عَلَى الْهُسَيْنِ الْمَظْلُومِ الشَّهِيدِ السَّلَامُ عَلَى أُسَيْرِ الْكُرْبَاتِ وَ قَتِيلِ الْعَبْرَاتِ (فراز
اَوَّل)

سلام بر ولی خدا و حبیبش، سلام بر دوست خدا و برگزیده او، سلام بر بنده برگزیده خدا و
فرزند برگزیده‌اش، سلام بر حسین مظلوم شهید، سلام بر آن دچار گرفتاری‌ها و کشته
اشک‌ها،

کُرب = غم و اندوه و سختی- کروبوات جمع مونث "کُربة" است .

عبرة = جمع آن عبرات

زیارت اربعین با سلام بر حسین(ع) و صفات آن حضرت و ویژگی های اصالت خانوادگی
او آغاز و سپس به تشریح اهداف و آثار قیام آن حضرت می پردازد.

در حادثه کربلا اسارت اهل بیت و گرداندن ایشان شهر به شهر نقض آشکار قوانین اسلام
بود بخصوص اسیر کردن زن مسلمان - امام علی(ع)عایشه را در جنگ جمل همراه عده
ای زن به شهر خودش بر گرداند بدون اینکه او را اسیر کند. کاش او فهم و درک این عمل
را از سوی امامش داشت. این طایفه درک این مطالب را ندارند زیرا یکی از شامیان در
دربار یزید در هنگام مواجهه با اسرای کربلا ، درخواست کرد که فاطمه دختر گرامی سید
الشهداء را بعنوان کنیز ، به او ببخشد! که با اخطار حضرت زینب (س) رو به رو شد.
(تاریخ طبری ج ۴ ص ۳۵۳)

ولی این اسارت با خطابه های حضرت زینب (س) و امام سجاد(ع) در کوفه و شام نمونه
ای از مبارزه در اسارت ، و سلاحی در مبارزه با باطل و افشای چهره دشمن بود.

امام حسین(ع) در برابر سؤال ابن عباس "چرا زنان و کودکان را به عراق می بری؟!"

فرمود: "قد شاء الله أن يراهنَّ سباياً" خدا خواسته که آنان را اسیر ببیند. (حياة الامام الحسين

ج ۲ ص ۲۹۷)

قتیل العبرات:

کشته اشکها از لقبهای سید الشهداء علیه السلام است . شهیدی که با عزداری و گریه بر او احیاء عاشورا و اصالت عاشورا را در بر دارد. امام حسین علیه السلام در روایتی فرمود:
"أنا قتیل العبرات" من کشته اشکهایم. (منتهی الامال- محدث قمی - ج ۱ ص ۵۳۸)

تاریخ نشان می دهد که کشته شدن هیچ کس در طول تاریخ به اندازه کشته شدن سید الشهداء ، غم انگیز و گریه آور نبوده و نیست. تحقیقاً در باره هیچ کس جز سید الشهداء گزارش نشده است که همه پیامبران از آدم ابوالبشر تا خاتم انبیاء و خاندان پیامبر خدا (ص) و جمعی از اصحاب پیامبر خدا(ص) قبل از ولادتش بر او گریسته باشند و نیز فرشتگان ، حیوانات ، وزمین و آسمان بر او گریه کرده باشند و حتی دشمن بر او گریسته باشد. در طول تاریخ ، کسی را سراغ نداریم که مردمی بیش از یک هزار و سیصد سال، بر او بگریند . آری ! سید الشهداء "کشته اشک" است اشکی که تا وقتی انتقام خون همه مظلومان تاریخ را از ستمگران باز نستانند و آرمانهای حسینی را به رهبری فرزند بزرگوارش ، مهدی آل محمد، در جهان تحقق نبخشند، همچنان بر گونه های مؤمنان راستین و علاقمندان به خاندان رسالت ، جاری خواهد بود. (گزیده ای از دانشنامه امام حسین(ع) - محمدی ری شهری)

با کشته شدن امام علی(ع) بیم آن می رفت که تلاشهای انبیاء بویژه پیامبر(ص) به فراموشی سپرده شود ولی شهادت حسین(ع) نهال توحید و نبوت را طراوت بخشید. حسین عبرت هر مؤمن است (یا عبرة کل مؤمن) - حسین در بند ناگواریهای حیات بخش جان مظلومان عالم است. حسین ثارالله است - حسین از نسل ابراهیم خلیل است- ابراهیم در ایثار و جانفشانی در راه حق و حفظ ولایت تا قبول ذبح فرزند ایستادگی داشت - حسین هم در ایثار و جانفشانی در احقاق حق با خانواده بسوی نماز و زکات و حج در حفظ ولایت مقاومت کرد تا درس ولایتمداری را تا قیامت به عالم بیاموزد . ایشان به مسلمانان آموختند که سپر استقامت و مقاومت ولایت است با ولایت در برابر ظلم و ستم و چپاولگریها بیایستید.

فراز دوم (شهادت به عظمت و برتری امام حسین (ع):

اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُ أَنَّهُ وَلِيكَ وَ ابْنُ وَلِيكَ وَ صَفِيكَ وَ ابْنُ صَفِيكَ الْفَائِزُ بِكَرَامَتِكَ أَكْرَمَتَهُ بِالشَّهَادَةِ
وَ حَبُوتَهُ بِالسَّعَادَةِ وَ اجْتَبَيْتَهُ بِطَيْبِ الْوِلَادَةِ وَ جَعَلْتَهُ سَيِّدًا مِنَ السَّادَةِ وَ قَائِدًا مِنَ الْقَادَةِ وَ دَائِدًا
مِنَ الدَّادَةِ (فراز دوم)

خدایا من گواهی می‌دهم که حسین ولی تو و فرزند ولی تو، و فرزند برگزیده توست -حسینی که به کرامتت رستگار است، او را به شهادت گرامی داشتی، و سعادت را به او اختصاص دادی، (بالا بردن بصیرت خویش و دوری از رهبران غیر الهی- کسب روحیه شهادت طلبی) و به پاکی ولادت برگزیدی، و او را آقایی از آقایان، و پیشوایی از پیشوایان، و مدافعی از مدافعان حق قرار دادی،

ذُود - نود: دفاع و حمایت- الذود عن حیاض الاسلام : دفاع از حریم اسلام .

حَبُوة = بخشیدن بدون منت

وَ أَعْطَيْتَهُ مَوَارِيثَ الْأَنْبِيَاءِ وَ جَعَلْتَهُ حُجَّةً عَلَى خَلْقِكَ مِنَ الْأَوْصِيَاءِ فَأَعْدَرَ فِي الدُّعَاءِ وَ مَنَحَ
النُّصْحَ

و میراث‌های پیامبران را به او عطا فرمودی، و او را از میان جانشینان معصوم حجت بر بندگان قرار دادی، و در دعوتش جای عذری باقی نگذاشت، (حسین (ع) در دعوت کردن راه عذر دیگران را بسته است وقتی دید که پند و اندرز نتیجه نمی‌دهد خون خود را اهداء کرد) و از خیرخواهی دریغ نورزید،

منح = عطا کردن- در اختیار گذاشتن- مصون داشتن

میراث انبیاء، شهادت، حق طلبی، ایثار، ولایتمداری، آثار و ارزشهای باقیمانده از انبیاء که در نزد امام حاضر مهدی موعود (ع) به ودیعه سپرده شده است. میراث انبیاء خود وجود مطهر امام زمان است که بساط ظلم را در هم می‌کوبد و نظام عدل را مستقر می‌سازد

منتها به شرط آنکه مردم با بصیرت و آگاهی نسبت به حقایق امور در گذران زمان با لباس تقوی و صبر و شکیبایی دایره مقاومت را وسیع و محکم سازند.

فراز سوم (اهداف قیام)

و بَدَلْ مُهْجَتَهُ فِيكَ لِيَسْتَنْقِذَ عِبَادَكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَ حَيْرَةِ الضَّلَالَةِ

و جانش را در راه تو بذل کرد، تا بندگان را از جهالت و سرگردانی گمراهی برهاند،

مُهْجَتَهُ = مُهْجَةٌ : ج مُهْجٌ و مُهْجَاتٌ : خون یا خون دل ، روان ؛ « مُهْجَةٌ كُلُّ شَيْءٍ » : بهترین و خالص ترین هر چیزی.

نَقَذَ = نَجَاتٌ يَأْفَتُن

حسین(ع) خون داد تا مردم آگاه شوند، تا مردم بیاموزند، تا مردم بصیرت یابند، تا مردم در جهالت و سرگردانی نمانند، تا فرصتها برای شناسایی دوست و دشمن از دست نرود و دین الهی تکامل یابد.

شریف ترین مردم نزد حسین(ع) کسی است که پیش از آن که اندرزش دهند خود اندرز گیرد و پیش از آنکه بیدارش کنند بیدار شود. (دانشنامه امام حسین(ع))

فراز چهارم (قاتلان امام حسین):

و قَدْ تَوَازَرَ عَلَيْهِ مَنْ عَرَّتَهُ الدُّنْيَا وَ بَاعَ حَظَّهُ بِالْأَرْدَلِ الْأَدْنَى وَ شَرَىٰ آخِرَتَهُ بِالثَّمَنِ الْأَوْكَسِ وَ تَعَطَّرَسَ وَ تَرَدَّى فِي هَوَاهُ وَ أَسْحَطَكَ وَ أَسْحَطَ نَبِيكَ، وَ أَطَاعَ مِنْ عِبَادِكَ أَهْلَ الشَّقَاقِ وَ النَّفَاقِ وَ حَمَلَةَ الْأَوْزَارِ الْمُسْتَوْجِبِينَ النَّارَ [لِلنَّارِ]

در حالی که بر علیه او به کمک هم برخاستند، کسانی که دنیا مغرورشان کرد، و بهره واقعی خود را به فرومایه‌تر و پست‌تر فروختند، و آخرتشان را به کمترین بها به گردونه فروش گذاشتند، تکبر کردند و خود را در دامن هوای نفس انداختند، تو را و پیامبرت را به خشم

آوردند، و از میان بندگان، اهل شکاف‌افکنی و نفاق و بارکشان گناهان سنگین، و سزواران آتش را اطاعت کردند.

حظه = بهره

باع = ریشه بیع- فروختن

شری = خرید و فروش

اوکس = پست ترین

تغطرس = ستم نمودن

ترّدی = خود را به هلاکت رساندن

سخط = به خشم آوردن

وزر = بار سنگین

همه شیعیان قاتلان امام حسین (ع) را می شناسند حتی تاریخ از آنها به وضاحت یاد کرده است اما عصر حاضر با شبهات وارده بر آن حضرت و انقلاب آن حضرت حتی شهادت ایشان سعی دارند راهپیمایی اربعین را کمرنگ نشان دهند تا مردم در سایه ظلم بسر برند.

هواداران بنی‌امیه، چه در آن زمان و چه قرنهای بعد و حتی عصر حاضر، کوشیده‌اند حرکت آن حضرت را نوعی شورش، آشوب، فتنه‌انگیزی، ایجاد تفرقه در امت و تمرد از خلافت معرفی کنند و در کشتن او، حق را به جانب یزید بدهند که یک شورش گر بر ضد خلافت مرکزی را کشته است. در این مورد، به احادیثی هم استناد می‌کنند که رسول خدا (ص) به کشتن کسی که یک پارچگی امت را به هم زده فرمان داده است و می‌گویند:

«ان یزید قتل الحسین بسیف جده» (حسین با شمشیر جدش کشته شد)

و یا با استناد به برخی کتاب‌های علمای شیعه و برداشت‌های ناقص و غیر صحیح خود

مردم کوفه را شیعه علی و حسین (علیهما السلام) معرفی کرده و قاتلان آن حضرت را همین گروه می دانند. این گروه فاسد با تشکیل گروهکی بهمراه احادیث جعلی سعی دارند انتقام خون حسین را از شیعیان آن حضرت بگیرند و در نامه ای به روزنامه مصری خواستار عذرخواهی شیعیان بخصوص ایرانیان شده اند. مسئول این گروه در نامه خود آورده است: «دلایل قطعی ثابت شده است که اجداد شیعیان فعلی که در عراق و ایران پراکنده اند همان کسانی هستند که در جنگ، امام حسین (علیه السلام) را کشتند، روایات شیعه هم به این جنایت شیعیان تصریح می کند»! (ابن تیمیه - غزالی - تقی الدین ابن الصلاح - ابن هجر میثمی -) از کسانی هستند که این شباهت را مطرح کرده اند. (اطلاع کامل در سایت معتبر ویکی فقه)

فَجَاهِدْهُمْ فِيكَ صَابِرًا مُحْتَسِبًا حَتَّى سَفِكَ فِي طَاعَتِكَ دَمُهُ وَ اسْتُبِيحَ حَرِيمُهُ

پس امام با آنان صابرا نه جهاد کرد، تا در طاعت تو خونش ریخته شد و هتک حرمت به حرمش مباح گشت.

فوائد همراهی اهل بیت با امامشان در سرزمین کربلا:

- ۱- اگر خانواده با امام همراهی نمی کرد و صد ها مرد جنگی بجای خانواده با امام حرکت می کردند به راحتی ممکن بود که بر چسب یاغی ، مفسد ، خارجی را بزنند و در صورت کشته شدن اثری از آنان در تاریخ باقی نمی ماند.
- ۲- اهل بیت در این واقعه ، سالم ماندند و ضربه ای نخوردند و اگر امام با جوانان هاشمی به جنگ یزیدیان می رفت واقعه حرّه اتفاق می افتاد و سطح جنایت بسیار وسیع بود حتی در پی آن اهل بیتش مورد تعرض قرار می گرفتند و این بود که اهل بیت را با خود بردند تا در این مصیبت خواری نباشد.
- ۳- خانواده امام در مسیر اسارت ، به هنگام عبور از مناطق مختلف با مردم صحبت می کردند و خود را فرزندان و نوادگان پیامبر (ص) معرفی می کردند تا شامیان بفهمند که فرزندان رسول خدا بفرمان یزید کشته و خانواده اسیر گشته اند.

۴- مقاومت خانواده امام بر انجام واجبات الهی ، دوباره احکامی را که می رفت مندرس شود ، زنده ساخت مثل؛ اصرار بر حجاب ، حفظ زنان از نامحرمان ، جلوگیری از اختلاط زن و مرد وو.....

۵- نشان دادن راه مبارزه به خانواده مسلمان در طول زمان ، راه مبارزه حق علیه باطل ، راه تسلیم نشدن در برابر ظالمین، راه کسب عزت و سعادت- اثر سخنان زنان در تقویت روحیه مبارزه طلبی مردان که مصداق آیه " أنذر عشیرتک الاقربین" (شعراء ۲۱۴) است.

۶- نشان دادن قدرت روحی امام ، در بحبوحه جنگ و فشار دشمن ؛ نه تنها امام از فرزندان خود غافل نمی شد ، بلکه با تمام قدرت به وظایف دینی ، اخلاقی ، سیاسی ، خانوادگی خود اشراف داشت.

۷- نشان دادن چهره واقعی دشمن تا قیامت بوسیله أسراء- اسارت اهل بیت ، تنها یک تاریخ نیست بلکه یک درس است درس مقاومت! ، آنها با خطابه های دلنشین علوی که می تواند برای دوستداران اهل بیت پند باشد و برای دشمنان اخطار.

تاریخ کربلا مذکر و مؤنث یعنی مرد و زن و خانواده را در ریسمان مقاومت و مبارزه نشان می دهد پس از تهدید ها نمی هراسند - از کشته شدن نمی ترسند چون پیام مقاومت تا قیامت پیام عزت است. اهل بیت درس خود را دادند فقط ما باید شاگردان خوبی باشیم تا سفره اهل بیت همیشه نسل در نسل پهن باشد و ایثارگران به آن بپیوندند و ارزشها را در هر عصری نشان دهند . وظیفه من و تو قدردانی از خداوند و شکرگذاری در برابر نعمتهای اوست و بدانیم که برای حفظ اعتقاد و نشان دادن مسیر حق هیچگاه از مسیر عدالت خارج نشویم و هرگز دروغ پردازیهای فضای مجازی و باطل گرایی غربی ما را مجنوب نکند.

اللَّهُمَّ فَالْعَنْهُمْ لَعْنَا وَبِئِلَّا وَ عَذَّبْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا

خدایا آنان را لعنت کن لعنتی سنگین، و عذابشان کن عذابی دردناک،

وبیل = سخت

لعن یزید یکی از مباحثی است که میان علمای اهل سنت در رابطه با جواز و عدم جواز آن اختلاف است. برخی لعن یزید را جایز نمی‌دانند و برخی هم در لعن توقف کرده‌اند. در عین حال بسیاری از آن‌ها لعن یزید را جایز و بلکه واجب دانسته‌اند و وی را به خاطر اقدامات ناشایستی که انجام داده، خصوصا کشتن امام حسین (علیه‌السلام)، مستحق لعن دانسته‌اند.

آلوسی در تفسیر خود در باره لعن یزید از قول پیانبر (ص) چنین می‌نویسد:

پناه می‌برم به خدای سبحان از ابتدای سال شصت و حکومت بچه‌ها- این جمله اشاره دارد به خلافت یزید رانده شده که علی‌رغم محبت دوست دارانش خداوند او را لعنت کند. چرا که او در ابتدای سال شصت هجری حکومت می‌نمود. در جای دیگر در تفسیر خود می‌نویسد:

بنابر این قول به خاطر کثرت اوصاف خبیثه یزید و ارتکاب گناهان کبیره‌ای که در طول ایام تکلیفش از او سر زد بالخصوص آنچه در ایام استیلاء و تسلطش بر اهل مدینه و مکه مرتکب گردید جای شک و تردیدی در لعن یزید باقی نمی‌ماند. (تفسیر آلوسی ج ۱۳ - ص ۲۲۹)

طبرانی با سند حسن روایت می‌کند: «خدایا کسی را که به اهل مدینه ظلم کرد و آن‌ها را ترساند تو نیز او را بترسان و بر او لعنت خود و تمام ملائکه و مردمانت را بر او فرو فرست لعنتی که هیچ دافع و مانعی از آن وجود نداشته باشد.» و گروهی از علماء از جمله ابن جوزی و قبل از او قاضی ابویعلی به کفر او و تصریح به لعن او جزم پیدا نموده بودند، و علامه تفتازانی در این باره می‌گوید: تکلیف یزید و ایمان او برای ما روشن است و هیچ شک و تردیدی در این باره نداریم لعنت خداوند متعال بر او و بر انصار و اعوان یزید باد، و از کسانی که تصریح به لعن یزید نموده است جلال‌الدین سیوطی است و در تاریخ ابن‌وردی آمده است: ... و این کفر صریحی برای یزید به حساب می‌آید و اگر این صحیح باشد در حقیقت او کافر است و مثل همین است. (برگزیده از سایت ویکی‌فقه)

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ سَيِّدِ الْأَوْصِيَاءِ

سلام بر توای فرزند رسول خدا، سلام بر توای فرزند سرور جانشینان،

فراز پنجم (درس آموزی از سالار شهیدان):

أَشْهَدُ أَنَّكَ أَمِينُ اللَّهِ وَ ابْنُ أَمِينِهِ عِشْتَ سَعِيدًا وَ مَضَيْتَ حَمِيدًا وَ مُتَّ فَقِيدًا مَظْلُومًا شَهِيدًا

شهادت می‌دهم که تو امین خدا و فرزند امین اویی، خوشبخت زیستی، و ستوده درگذشتی، و از دنیا رفتی در حالیکه گم گشته، و مظلوم و شهید بودی.

حادثه عاشورا تلخ‌ترین حادثه در طول تاریخ است ولی برکات آن تا قیامت ادامه دارد. یکی از این برکات بازسازی مفاهیم دینی است که در آن روزگار دچار تحریف شد و در عصر حاضر هم دچار تحریف است، از آن جمله:

۱- جدا کردن دین از سیاست (یعنی سکولاریستی - کسی که با حکومت‌های ظالم دچار چالش نشود و با آنها ستیز نکند در واقع آنها را بپذیرد - یعنی کار قیصر را به قیصر بسپار) نهضت عاشورا خط بطلانی بر این عقاید است.

۲- مسأله امامت و ولایت - از مهمترین اصول دین مسئله امامت و ولایت است که در عصر حاضر با توطئه و فتنه و هابیت و یهودیان سعی می‌شود مردم را از این فصل الخطاب جدا سازند. زیرا نیت آنان از کمرنگ کردن ولایتمداری در زمان غیبت کبری دور کردن مردم از بصیرت و پند پذیری ولی فقیه است.

در یکی از روایات بسیار مهم در کنار صحت سند، در مهمترین منابع حدیثی اهل سنت از جمله صحاح سته بویژه صحیح بخاری؛ "حدیث اثنی عشر خلیفه" است. در این روایت پیامبر (ص) سه ویژگی خلفا پس از خود را تأکید کرده است که عبارتند از:

۱- منوط بودن عزت اسلام به خلافت آنان.

۲- شمار آنان ۱۲ تن است.

۳- همگی از قریش اند. (سنن ترمذی- محمد بن عیسی- بیروت- دارالفکر ۱۴۰۳)

۳- رابطه امام با امت - رابطه امام و امت موجب دور شدن انسانها از ظلم و ستم سلطه طلبان خواهد شد. اگر این رابطه تقویت نشود و تبعیت از ولایت و ولایت فقیه کمرنگ شود ظلم و خواری سراسر جهان را در بر می گیرد .

امام حسین (ع) می فرماید: به خدا سوگند ، مرا رها نمی کنند تا این مثنی خون (اشاره به قلب) را از درونم بیرون بکشند و چون چنین کنند ، خداوند ، کسی را بر ایشان مسلط می کند که چنان خوارشان سازد که خوارترین امت ها شوند. (الارشاد ج ۲ ص ۷۶-اعلام الوری ج ۱ ص ۴۴۸)

در امالی شیخ طوسی به سندش - امام حسین(ع) از امام علی(ع) از پیامبر (ص) از جبرئیل (ع) از خدای متعال ، نقل کرد که فرمود: به عزّت و جلالم سوگند، هر شهروند مسلمانی را که به ولایت حاکم ستمکاری - یعنی حاکمی که توسط خداوند نصب نشده - گردن نهد ، عذاب می کنم ، هر چند در اعمال خود، نیکوکار و با پروا باشد، و از هر شهروند مسلمانی که به ولایت حاکم عادل منصوب از سوی خدای متعال گردن نهد ، در می گذرم ، هر چند در اعمال خود نا صالح و گنهگار باشد. عبد الله بن ابی یعفر می گوید: از امام صادق(ع) پرسیدم : چه علتی دارد که بر اینان که دین ندارند ، هیچ سرزنشی نیست؟ امام (ع) فرمود: چون زشتکاری های حاکم ستمکار ، نیکی های پذیرندگان ولایت او را می پوشاند و نیکی های حاکم عادل ، زشتکاری های پذیرندگان ولایتش را می پوشاند. (امالی شیخ طوسی ص ۶۳۴ ح ۱۳۰۸- بحار الانوار ج ۲۷ ص ۲۰۱ ح ۶۹ و ۷۰)

اینگونه نقش پیشوایی در جامعه تعریف می گردد.

امام حسین(ع) از قول پیامبر(ص) فرمود: امت موسی پس از او هفتاد و یک فرقه شدند که یکی اهل نجات است و هفتاد فرقه ، در آتش اند و امت عیسی(ع) پس از او ، هفتاد و دو

فرقه شدند که یکی ، اهل نجات است و هفتاد و یک فرقه در آتش اند و امت من ، پس از من ، هفتاد و سه فرقه می شوند ، یک فرقه اهل نجات است و هفتاد و دو فرقه در آتش اند. (الخصال ص ۸۵ ح ۱۱)

جامعه کوفه از نظر اعتقادی ، در دو گروه بودند گروهی مسلمان که این مورد جای بحث بسیار دارد و گروه غیر مسلمان از قبیل مسیحیان نجران- مسیحیان نبطی - یهودیان- و زردشتیان ایرانی بودند. در بخش مسلمانان کوفه ، هواداران اهل بیت(ع) و مدعیان تشیع بودند - هواداران اهل بیت در عصر نهضت حسینی ، حبیب بن مظاهر- مسلم بن عوسجه- ابو ثمامه صائدی- و.... گروه دوم از شیعیان اهل بیت کسانی بودند که بر اثر جاذبه های حکومت علوی و آشنایی با احادیث پیامبر(ص) ، به این خاندان اظهار ارادت می کردند ، ولی دوستی آنها از مرز ظاهر و بیان ، تجاوز نمی کرد . امام صادق(ع) این دسته را دوستان تراز پایین اهل بیت (ع) وصف فرموده است. در دوران حکومت امام علی(ع) و دیگر امامان ، بیشتر مردم کوفه از همین دسته بودند ، همان ها که امام علی (ع) در اواخر حکومت خود ، پی در پی ، از آنها گله می کرد. گروه سوم از شیعیان اهل بیت کسانی بودند که نه همانند دسته اول در ظاهر و باطن از اهل بیت دفاع می کردند و نه همانند دسته دوم علاقه ای ظاهری داشتند ، این دسته اهل بیت را در قلب خود دوست داشتند ولی جرئت اظهار ارادت نسبت به آنان را نداشتند ، اینان به تعبیر امام صادق(ع) علاقمندان تراز وسط هستند. (در ظاهر و آشکارانه با اهل بیت دوستی نمی کردند و در نهان آنان را دوست داشتند). گناه حمایت نکردن از نهضتهای امام حسین(ع) به دوش شیعیان سیاسی و اجتماعی و اقتصادی است و نیز کسانی است که از نام شیعه سوء استفاده می کردند ؛ نه شیعیان اعتقادی و واقعی.

اگر امام(ع) شهید شد، به دلیل این بود که جامعه آن روزگار کوفه ، نظام ناپذیر بودند و نیز اهل دنیا طلبی و تابع احساسات و گاهی مغرور و پرخاشگر و شورشگر و قبيله گرا بودند.

وَ أَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ مُنْجِرٌ مَا وَعَدَكَ وَ مُهْلِكٌ مَنْ خَذَلَكَ وَ مُعَذِّبٌ مَنْ قَتَلَكَ

گواهی می‌دهم که خدا وفاکننده است آنچه را به تو وعده داده، و نابودکننده کسانی را که از یاریت دریغ ورزیدند، و عذاب کننده کسانی را که تو را کشتند،

وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ وَفِيَتْ بِعَهْدِ اللَّهِ وَ جَاهَدْتَ فِي سَبِيلِهِ حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ فَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكَ وَ لَعَنَ اللَّهُ مَنْ ظَلَمَكَ وَ لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً سَمِعَتْ بِذَلِكَ فَرَضِيَتْ بِهِ،

و گواهی می‌دهم که تو به عهد خدا وفا کردید و در راهش به جهاد برخاستی تا مرگ فرا رسید، پس خدا لعنت کند کسانی را که تو را کشتند، و به تو ستم کردند، و این جریان را شنیدند و به آن خشنود شدند،

فراز ششم (تجدید بیعت با سالار شهیدان):

اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ أَنِّي وَلِيٌّ لِمَنْ وَالَاهُ وَ عَدُوٌّ لِمَنْ عَادَاهُ

خدای من تو را شاهد می‌گیرم که من دوستم با آنان که او را دوست دارند، و دشمن هستم با آنان که با او دشمن اند،

بِأَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ

پدر و مادرم فدایت ای فرزند رسول خدا،

اصل بیعت :

بیعت پیمان و عهد بستن است . شکستن بیعت نزد عرب بسیار زشت بوده است . بیعت با حاکم ، نوعی رأی موافق دادن و امضا و تبعیت و تعهد اطاعت محسوب می شد و عدم بیعت ، نوعی تمرد و به رسمیت نشناختن . برداشتن بیعت از سوی امام یا والی در واقع آزاد گذاشتن بیعتگر نسبت به تعهدی بود که با بیعت سپرده بود. امام حسین(ع) شب عاشورا ، ضمن خطبه ای وفای یاران را ستود و برایشان پاداش الهی طلبید . آنگاه بیعت را با این

جملات از آنان برداشت تا هر که می خواهد از پوشش شب استفاده کرده صحنه را ترک گوید. اربعین تجدید میثاق با سالار شهیدان است. میثاق ما با سالار شهیدان در راهپیمایی اربعین، مبارزه با ظلم و ستم برخاسته از فتنه های سران وهابیت و یهودیت، ایثار، نشر فرهنگ اسلامی، آماده سازی زمینه های ظهور است.

آیا امّتی که حسین را کشته است در روز قیامت امید شفاعت جدّش را دارد؟

فراز هفتم (اصالت خانوادگی):

أَشْهَدُ أَنَّكَ كُنْتَ نُورًا فِي الْأَصْلَابِ الشَّامِخَةِ وَالْأَرْحَامِ الْمُطَهَّرَةِ [الطَّاهِرَةِ] لَمْ تُنَجِّسْكَ الْجَاهِلِيَّةُ
بِأَنْجَاسِهَا وَ لَمْ تُلْبَسْكَ الْمُدْلِهَمَاتُ مِنْ ثِيَابِهَا

گواهی می‌دهم که تو در صلب‌های بلندمرتبه و رحم‌های پاک نوری بودی، جاهلیت با ناپاکی‌های تو را آلوده نکرد، و از جامه‌های تیره و تارش به تو نپوشاند،

اصالت خانوادگی:

خانواده نخستین نشانه شخصیت، اخلاق و فرهنگ انسانهاست. پیامبران و اوصیای آنان همگی از تبار نیکان و صالحان اند اما در میان مردان جهان، هیچ کس به پایه شرافت و کرامت خانوادگی امام حسین(ع) و برادرش امام حسن(ع) نمی رسد که جدّشان خاتم انبیاء و پدرشان سرور اوصیاء و مادرشان فاطمه زهرا(س) سرور جهان باشد. در منابع معتبر، امام حسین(ع) در روز عاشورا، ضمن یک خطابه حماسی در باره تأثیر آلودگی خانوادگی ابن زیاد در مخیر کردن امام(ع) میان کشته شدن یا پذیرفتن بیعت با یزید، و یاد کردن از نقش پاکی خانوادگی خود در امتناع از ذلت پذیری، می فرماید: "بدانیدکه بی نسب پسر بی نسب، مرا میان دوچیز، قرار داده است: شمشیر و خواری؛ و دور است از ما که تن به خواری بدهیم. (المهوف، ص ۱۵۵)

خدا و فرستاده اش و مؤمنان و دامن های پاک و پاکیزه و دل‌های غیرتمند و جان‌های بزرگ منش، این را بر ما نمی‌پذیرند که فرمان برداری از فرویگان را بر مرگ شرافتمندانه، ترجیح دهیم. بدین سان خاندان مطهر و با کرامت سید الشهداء (ع) در تکوین شخصیت با عظمت و حماسه‌افزین آن بزرگوار سهیم بودند. (دانشنامه امام حسین علیه السلام)

وَأَشْهَدُ أَنَّكَ مِنْ دَعَائِمِ الدِّينِ وَ أَرْكَانِ الْمُسْلِمِينَ وَ مَعْقِلِ الْمُؤْمِنِينَ

و گواهی میدهم که تو از ستون‌های دین، و پایه‌های مسلمانان، و پناهگاه مردم مؤمنی از نظر تفکرات،

"فَسئَلُوا اهل الذکر ان کنتم لاتعلمون" (نحل/۴۳) پیامبر (ص) فرمود: مقصود از "ذکر" من هستم و مراد از "اهل ذکر" امامان هستند. (الکافی ج ۱ ص ۲۱۰ ح ۱ - تأویل الایات الظاهرة ج ۱ ص ۲۵۵ ح ۷) فضیلت‌های امامان معصوم (ع) :

پاکی معنوی - استواری در دانش - مرجعیت علمی - داشتن منزلت‌های والا در بهشت و جوب دوستی "لا أسئلكم علیه أجرأ الا المودة فی القربی" -

جوب پیروی "یا ایها الذین آمنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم" - جوب تمسک "انی تارک فیکم ما ان تمسکتکم به لن تضلوا بعدی أحدهما أعظم من الآخر؛ کتاب الله حبل ممدود من السماء الی الارض و عترتی اهل بیتی و لن یتفرقا حتی یردا علیّ الحوض... (سنن ترمذی ج ۵ ص ۶۶۳ ح ۳۷۸۸ - اسد الغابة ج ۲ ص ۱۷)

همسانی با پیامبر در جنگ و صلح "پیامبر (ص) به علی و حسن و حسین و فاطمه نگریست و فرمود: من با هر که با شما سر جنگ داشته باشد، سر جنگ دارم و با هر که با شما در صلح باشد در صلح. (مسند ابن حنبل ج ۳ ص ۴۴۶ ح ۹۷۰۴) - (مستدرک علی الصحیحین ج ۳ ص ۱۶۱ ح ۴۷ ۱۳) -

وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ الْإِمَامُ الْبَرُّ التَّقِيُّ الرَّضِيُّ الزَّكِيُّ الْهَادِي الْمَهْدِي

و گواهی می‌دهم که پیشوای نیکوکار، با تقوا، راضی به مقدرات حق، پاکیزه، هدایت کننده، و هدایت شده‌ای،

به نقل از ابن عباس از پیامبر خدا(ص) حسن و حسین ، دو سرور جوانان بهشتی اند . هر کس آن دو را دوست می‌دارد ، مرا نیز دوست داشته است و هر کس آن دو را دشمن می‌دارد ، مرا دشمن داشته است. (تاریخ دمشق ج ۱۴ ص ۱۳۲ ح ۳۴۲۷)

به نقل از جابر بن عبدالله ، از پیامبر(ص) روایت شده: هر کس می‌خواهد به سرور جوانان بهشتی بنگرد به حسین بن علی بنگرد. (تاریخ دمشق ج ۱۴ ص ۱۳۶ ح ۳۴۳۹)

"إِنَّ الْحُسَيْنَ مَصْبَاحَ الْهُدَى وَ سَفِينَةَ النَّجَاةِ" حسین، چراغ هدایت و کشتی نجات است. پیامبر(ص) در حدیثی مشهور که به ایشان نسبت داده شده ،این حدیث را فرموده است- این حدیث بصورت‌های گوناگون در منابع مختلف و معتبر آمده است البته نه با این الفاظ ؛ نخستین کتابی که این متن مشهور در آن آمده است کتاب المنتخب طریحی - (م ۱۰۸۵ ق) است که ضمن نقل جریان دیدار اَبیّ ین کعب با پیامبر خدا(ص) آورده است. (المنتخب ، طریحی، ص ۱۹۷)

فراز هشتم(توصیف فرزندان):

وَ أَشْهَدُ أَنَّ الْأَئِمَّةَ مِنْ وُدِّكَ كَلِمَةُ التَّقْوَى وَ أَعْلَامُ الْهُدَى وَ الْعُرْوَةُ الْوُثْقَى وَ الْحُجَّةُ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا

و گواهی می‌دهم که امامان از فرزندان، اصل تقوا، و نشانه‌های هدایت، و دستگیره محکم، و حجت بر اهل دنیا هستند .

حسین جان تو پدر امامان ما هستی - تو پرچم دار حق و حقیقت هستی - تو و فرزندانانت حافظ قرآن هستید بگونه ای که قرآن را از تحریف غالیان و نسبت نادرست باطل گرایان و تأویل گمراهان دورمی سازید و نهمین فرزند تو حضرت قائم است.

در حدیث قدسی آمده است "إِنَّهُ سَيِّدُ الشُّهَدَاءِ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ" همانا حسین سرور شهیدان از اولین و آخرین در دنیا و آخرت است. (کامل الزیارات ص ۱۴۷ ح ۱۷۹)

"ما من شهيد الا و يُحِبُّ أن يكون مع الحسين عليه السلام ، حتّى يدخلوا الجنة معه" (کامل الزیارات ص ۲۲۰ ح ۳۲۲-بحار الانوار ج ۴۴ ص ۲۹۹ ح ۵)

هیچ شهیدی نیست مگر این که دوست دارد که همراه حسین (ع) باشد و با او وارد بهشت شود.

از ویژگیهای برجسته امام حسین(ع) برکات تربت پاک اوست ، چنانکه از امام صادق(ع) روایت شده: إِنَّ اللَّهَ عَوَّضَ الْحُسَيْنِ (ع) مِنْ قَتْلِهِ أَنْ جَعَلَ الْإِمَامَةَ مِنْ ذُرِّيَّتِهِ وَالشَّفَاءَ فِي تَرْبَتِهِ... (الامالی، طوسی ص ۳۱۷ ح ۶۴۴)

خداوند در برابر کشته شدن حسین(ع) امامت را در نسل او قرار داد و شفا را در تربتش. زیارت امام حسین(ع) برکاتی دارد، هرچند زیارت پیامبر خدا(ص) و سایر اهل بیت (ع) برکات فراوانی برای زائر دارد؛ ولی در مورد زیارت هیچ یک از اهل بیت(ع) به اندازه زیارت امام حسین(ع) تأکید نشده و زیادت ثواب و برکاتی که برای امام حسین(ع) ذکر شده ، برای هیچ یک از آنان نیامده است. بی تردید ، تأکید و تشویق احادیث اسلامی در مورد زیارت امام حسین (ع) به دلیل آثار فوق العاده مثبت آن در سازندگی معنوی و بالندگی جامعه اسلامی است.

فراز نهم(بخشی از اعتقادات شیعه):

وَ أَشْهَدُ أَنِّي بِكُمْ مُؤْمِنٌ وَ بِإِيَابِكُمْ مُوقِنٌ بِشَرَائِعِ دِينِي وَ خَوَاتِيمِ عَمَلِي

و گواهی می‌دهم که من به یقین مؤمن به شمایم، و به بازگشتتان یقین دارم، براساس قوانین دینم، و عواقب عملم،

وَ قَلْبِي لِقَلْبِكُمْ سَلْمٌ وَ أَمْرِي لِأَمْرِكُمْ مُتَّبِعٌ وَ نُصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ

و قبلم با قلبتان در صلح، و کارم پیرو کارتتان، و یاری‌ام برای شما آماده است،

حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ لَكُمْ فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَا مَعَ عَدُوِّكُمْ

تا خدا به شما اجازه دهد، پس با شمایم نه با دشمنانتان،

ما شیعیان با شمایم – ما شیعیان کاری به دروغگوئیهای فضای مجازی نداریم – کاری نداریم که هر روز اسم یکی از اصحاب و یاران حسین را زیر سؤال می‌برند. کاری نداریم به اینکه دشمن با تمام نیرو و هزینه‌های هنگفت سعی در تخریب اعتقادات پاک شیعیان دارد. ما شیعیان یک کلام را می‌پذیریم "علیکم أنفسکم" پس برای رضای خدا حرکت می‌کنیم – با وسیله‌ای بنام اهل بیت- این مسیربستگی به شناخت خود و خداوند دارد "من عرف ربه فقد عرف نفسه" هر کس پروردگارش را شناخت خود را شناخته است و هر کس خود را شناخت پروردگارش را شناخته است! نتیجه آن عبور از ظلمت بسوی نور است.

در شب اول قبر از ما سؤال نمی‌شود قاسم کی بود و چه بلایی به سرش آمد در شب اول قبر از نماز و روزه و حج و جهاد و امامت سوال می‌شود پس بدان تا آگاه باشی، پس بدان تا عمل کنی. اگر امامت از تو راضی باشد پیامبرت هم از تو راضی است و کسی که پیامبرش از او راضی باشد خداوند نیز از او راضی است.

مگر درخت ممنوعه در بهشت بد بود؟ مگر چیز بدی در بهشت می‌توانست باشد؟ نخیر! در آن شرایط ممنوعه بود. نگذارید درخت ممنوعه را برایتان تزیین کنند تا یکباره بفهمید که از بهشت بیرون رفته اید! بهشت ولایت لیبیک و ایثار و شهادت می‌خواهد بهشت ولایت

معرفت و علم و شعور و تحلیل می خواهد . بهشت ولایت با گمراهی و دروغ‌گویی و تحریف وقایع تاریخ ولایت بخصوص عاشورا مخالف است. بهشت ولایت مقاومت می خواهد.

زیارت امام حسین علیه السلام در اوج زیارتها است و زیارت اربعین هم در اوج آنها. متن زیارت اربعین را که ملاحظه می کنید، پر از شور حسینی در وقایع تاریخ است پس با زیارت اربعین بسوی ظهور حرکت می کنیم و یک صدا با گرد و مسیحی و غیره لبیک یا حسین می گوئیم . و هب با حسین و با عاشورا میثاق بست و به پیامبر رسید . خُر با حسین میثاق بست و بیعتش را با پیامبر محکم ساخت . حبیب با پیامبر شروع کرد و به حسین رسید. عاشورا اگر عاشورا شد به برکت حسین عاشورا شد. زینب اگر در اسارت با دشمن مقابله کرد و آبروی یزیدیان را برد این نیز از برکت عاشورا بود . عاشورا باید می بود و باید باشد اگرچه تعداد عاشورائیان کم باشد .

اولین کسی که با منجی عالم بشریت حرکت می کند حسین است . در ظهور ثارالله شکل می گیرد و انتقام کشندگان ولایت گرفته می شود . امروز فریادمان بلند است – امروز اشکهایمان از پیوند انسانها با هر تفکری جاری است – امروز بوی ظهور می آید پس در راهپیمایی اربعین قدم ها از پس یکدیگر نشانگر پیوند عمیق با ولایت است . مراقب باش به ولایت پشت نکنی – مراقب باش ملحد نشوی – مراقب باش در اعتقادات رنگ نبازی – مراقب باش خودت باشی با معرفت باشی و با معرفت بمانی – نگذار لحظه ای افکارت را بدزدند – زینب در برابر یزیدیان زینب بود و لحظه ای از عترت و غیرت و ایمان دور نماند تو نیز به تبعیت از زینب هوادار ولایت باش تا زمین نخوری تا رنگ نبازی و استوار مانی. دین یک قانون نیست . دین یک فهم یا تفکر نیست . دین جوشش است جوششی که همه را برمی انگیزد تا در مقابل باطل بایستند. اینجا بعث است . اینجا برانگیختن است . اینجا طلوع خورشید است . اینجا درخت امید است که با ناامیدی به مبارزه بر می خیزد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله می فرماید : «انّ للحسین محبه مکنونه فی قلوب المؤمنین»
برای حسین در دل‌های مومنین محبتی پنهان است! (- مستدرک ۲۱۷ / ۲ ، لؤلؤ و مرجان ، ص ۳۸ ،
بحار ج ۴۳ ، ص ۲۷۲)

باید در این دنیا دلت با حسین باشد تا صداقت کنند. اگر هم صداقت نکردند و رهسپار جهنم
شدی ، ناامید نشو! ممکن است نگهبان جهنم به خاطر آن که بر پیشانی ات نوشته شده
«زائر حسین» راهت ندهد به جهنم! اثر این مهر را که بر وجهه ات خورده از بین میر!
بگذار برای فردای قیامت بماند.

کمی به خودت بنگر! ببین روز قیامت ” یَوْمَ نَدْعُو كُلَّ اُنَاسٍ بِاِمَامِهِمْ فَمَنْ اُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ
فَأُولَئِكَ يَفْرَحُونَ كِتَابَهُمْ وَلَا يُظْلَمُونَ فَتِيلًا ” (به یاد آر) روزی که ما هر گروهی از مردم را
با پیشوایشان (به پیشگاه حقیقت) می خوانیم، پس هر کس نامه عملش را به دست راست دهند
آنها نامه خود را قرائت کنند و کمترین ستمی به آنها نخواهد شد. (اسرا / ۷۱)

فراز دهم(صلوات بر اهل بیت):

صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَ عَلَىٰ أَرْوَاحِكُمْ وَ أَجْسَادِكُمْ [أَجْسَامِكُمْ] وَ شَاهِدِكُمْ وَ غَائِبِكُمْ وَ ظَاهِرِكُمْ وَ
بَاطِنِكُمْ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ.

درودهای خدا بر شما، و بر ارواح و پیکرهایتان، و بر حاضر و غایبتان، و بر ظاهر و
باطنتان، آمین ای پروردگار جهانیان.

والسلام علی من اتبع الهدی

منابع:

فرهنگ عاشورا جواد محدثی

گزیده دانشنامه امام حسین(ع) - محمدی ری شهری